

بررسی یک مدل پیشنهادی برای پیشایندها و پیامدهای گذشت در ازدواج

دکتر رضا خجسته‌مهر*

استادیار دانشگاه شهید چمران اهواز

امین کرابی

کارشناس ارشد دانشگاه شهید چمران اهواز

دکتر غلامرضا رجیبی

استادیار دانشگاه شهید چمران اهواز

چکیده:

هدف پژوهش حاضر، پیشنهاد مدلی از پیشایندها و پیامدهای مهم گذشت در ازدواج، به منظور شناخت بهتر و کامل‌تر مفهوم گذشت بود. این مدل نقش اسنادهای علی و مسئولیت‌پذیری، کیفیت رابطه زناشویی، همدلی و اعتقادات مذهبی در افزایش گذشت زوجین و تأثیر گذشت بر افزایش سلامت روانی و کاهش خشم آنها را بررسی کرد. نمونه مورد مطالعه در این پژوهش ۲۴۵ نفر مرد و ۲۴۷ نفر زن را شامل می‌شد که از میان والدین دانش‌آموزان دبیرستانی شهر اهواز با روش تصادفی چند مرحله‌ای انتخاب شدند. ابزارهای استفاده شده در این پژوهش مقیاس گذشت صفت (TFS)، مقیاس اسناد ارتباطی (RAM)، شاخص کیفیت ازدواج (QMI)، مقیاس صفات همدلی باتسون (BEA)، خرده‌مقیاس نگرش مذهبی، پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ (ENRICH)، پرسشنامه سلامت عمومی (GHQ) و خرده‌مقیاس خشم فهرست تجدید نظر شده علائم روانی SCL-90-R را شامل می‌شود. برای ارزیابی مدل پیشنهادی از روش تحلیل مسیر و بر اساس نرم‌افزار AMOS ویرایش ۷ استفاده شد. مدل ارزیابی شده شاخص‌های برازندگی خوبی داشت. بر اساس نتایج مدل تحلیل مسیر کیفیت مثبت زناشویی هم به صورت مستقیم و هم غیرمستقیم از طریق اسنادهای علی و مسئولیت‌پذیری، گذشت را افزایش می‌دهد. اسنادهای علی نیز به صورت غیرمستقیم و از طریق اسنادهای مسئولیت و همدلی گذشت را ارتقاء می‌دهد. اسنادهای مسئولیت نیز به صورت مستقیم و غیرمستقیم به واسطه همدلی گذشت را افزایش می‌دهد. همدلی نیز به صورت مستقیم گذشت را افزایش می‌دهد. نگرش‌های مذهبی نیز به صورت مستقیم و غیرمستقیم از طریق اسنادهای مسئولیت گذشت را ارتقاء می‌دهد. گذشت نیز افزایش سلامت روانی و کاهش پرخاشگری در میان همسران را باعث می‌شود. درباره مضامین درمانی و آموزشی نتایج و مدل ارائه شده در پژوهش حاضر به تفصیل بحث شده است.

کلید واژه‌ها:

گذشت، کیفیت زناشویی، اسنادهای علی، اسنادهای مسئولیت‌پذیری، همدلی، نگرش مذهبی، سلامت روانی، پرخاشگری و ازدواج

مقدمه

گذشت^۲ مجموعه‌ای از تغییرات انگیزشی در فرد آسیب‌دیده است که طی آن انگیزه‌های انتقام‌جویی نسبت به آسیب‌رسان و اجتناب از آسیب‌رسان کم می‌شود و فرد آسیب‌دیده آرزوی خوشی، حسن‌نیت و انگیزش خود را برای مصالحه با آسیب‌رسان افزایش می‌دهد. در گذشت یک آسیب یا بی‌عدالتی رخ داده، اما آسیب‌رسان از دین اخلاقی نسبت به قربانی خارج می‌شود (مک

* نویسنده مسئول Khojasteh_r@cua.ac.ir

². Forgiveness

کلوگ^۳ و همکاران (۱۹۹۷). اگر گذشت را فقط کاهش انگیزه‌های منفی در نظر بگیریم، نشان‌دهنده این است که ماهیت گذشت را در نظر نگرفته‌ایم. بسیاری از فلاسفه، گذشت را یک مفهوم پایه در نظر می‌گیرند؛ "یک نگرش خیرخواهانه واقعی نسبت به آسیب‌رسان به عنوان یک انسان". همین بعد خیرخواهانه است که گذشت را به عنوان یک سازه در روانشناسی مثبت‌گرا قرار می‌دهد (هولمگرین^۴، ۱۹۹۳؛ به نقل از کوک^۵، ۲۰۰۶).

وورثینگتون (۱۹۹۸) گذشت را یک عمل خیرخواهانه می‌داند که در آن فرد آسیب‌دیده احساس عزت‌نفس را مجدداً ذخیره‌سازی می‌کند، درحالی که به عزت‌نفس فرد دیگر هیچ آسیبی وارد نمی‌کند. او معتقد است که گذشت هم یک تصمیم و هم یک تغییر واقعی در تجربه عاطفی افراد است که این تغییر در عواطف یا هیجانات با سلامت جسمی و روانی رابطه دارد. انزایت^۶ و گروه پژوهشی رشد انسانی^۷ (۱۹۹۴) معتقد هستند گذشت یک آگاهی در فرد است که باعث می‌شود فرد دورشدن از درد، آسیب، آرزوی انتقام‌گرفتن و نفرت ناشی از یک خیانت، توهین، بی‌عدالتی یا آسیب عمیق را انتخاب کند. گذشت شامل یک اشتیاق به دیدن آسیب و آسیب‌رسان در یک بافت بزرگتر است که با جانشین کردن عواطف منفی با شفقت و بردباری همراه است.

در گذشت انگیزه کمتری برای اجتناب یا انتقام‌جویی علیه آسیب‌رسان وجود دارد. گذشت‌کردن معمولاً در روابطی رخ می‌دهد که در آن تعهد، رضایت و رابطه نزدیک وجود دارد. در روابط صمیمی، احتمال بیشتری است که آسیب‌رسان به خاطر اشتباه خود عذرخواهی کند. به علاوه روابط صمیمانه رشد همدلی نسبت به آسیب‌رسان را باعث می‌شود (مک‌کلوگ و همکاران، ۱۹۹۸).

گذشت کردن در روابط ضروری است، زیرا آسیب‌ها و تخطی‌های اجتناب‌ناپذیر را نشان می‌دهد. این نقش گذشت در روابط مختلف متفاوت است و به روابط بستگی دارد، که در موقعیت حاضر میان دو نفر جریان دارد. (وورثینگتون، ۲۰۰۵). در روابط بی‌ثبات که میان افراد غریبه وجود دارد، احتمالاً آسیب‌هایی که رخ می‌دهد به صورت زودگذر است، چرا که پیوندهای کمی وجود دارد که این افراد را با هم نگه دارد و احتمالاً این آسیب‌ها در زندگی آنها تأثیراتی مهم ندارد (کوک، ۲۰۰۶). در روابط باثبات مانند روابط میان زوجین صمیمی، اعضای خانواده یا دوستان، احتمال دارد که آسیب‌های جزئی بیشتری رخ دهد، چرا که ویژگی این روابط، طولانی بودن آنها است. وقوع این آسیب‌های جزئی فراوان می‌تواند فرسایش در روابط باثبات را موجب شود (وورثینگتون، ۱۹۹۸).

روابط صمیمانه نیازهای عاطفی عمیق ما را ارضا می‌کند و همچنین منبعی برای بیشتر آسیب‌های شدید ما می‌باشد. وقتی که یک آسیب رخ می‌دهد، عواطف منفی مانند عصبانیت و کینه که معمول است، یک اختلال بالقوه در روابط را باعث می‌شود، یکی از راه‌های حل این چالش گذشت است (وورثینگتون و وات^۸، ۱۹۹۹).

در مواردی که میان همسران آسیب و رنجش رخ می‌دهد، پذیرش مسئولیت آن عمل از سوی فرد آسیب‌رسان (گونزالس^۹ و

³. Mc Cullough

⁴. Holmgreen

⁵. Cooke

⁶. Enright

⁷. The Human Development Study Group

⁸. Wade

⁹. Gonzales

همکاران، ۱۹۹۴)، اسناد این آسیب به شرایط بیرونی و قضاوت درباره آن (فینچام^{۱۰}، ۲۰۰۰، مک‌کلوگ و همکاران، ۲۰۰۳، بون و سولسکای^{۱۱}، ۱۹۹۷، فینچام و همکاران، ۲۰۰۵)، احساس همدلی به آسیب‌رسان (مک‌کلوگ، اکسلاین و بامیستر، ۱۹۹۸؛ زچ‌میستر و رومرو^{۱۲}، ۲۰۰۲ و مک‌کلوگ و همکاران، ۱۹۹۷) و کیفیت رابطه زناشویی (فینچام و همکاران، ۲۰۰۲) می‌تواند انگیزه گذشت فرد آسیب‌رسان را تقویت کند. در حالی که تجربه کردن حالت‌های شدید (خشم^{۱۳}، تلخکامی^{۱۴} و گمگشتگی^{۱۵}) و نشخوارذهنی^{۱۶} درباره آسیب (خصوصیات و انگیزه‌های منفی آسیب‌رسان) تمایل به انتقام‌جویی را افزایش می‌دهد (وورثینگتون و وات، ۱۹۹۹).

مک‌کلوگ و همکاران (۱۹۹۸) تلاش کردند در پژوهش خود، مشخص کنند چگونه گذشت به وسیله متغیرهای سطح رابطه مانند رضایت، تعهد و صمیمیت؛ متغیرهای سطح آسیب مانند عذرخواهی و اثر آسیب؛ متغیرهای سطح شناختی - اجتماعی مانند همدلی و مشغولیت ذهنی درباره آسیب پیش‌بینی می‌شود. نتایج نشان داد که صمیمیت رابطه‌ای پیش از آسیب، از طریق ممکن ساختن عذرخواهی و سپس همدلی، گذشت‌کردن را تسهیل کرد. برخلاف پیش‌بینی آن‌ها، مشغولیت ذهنی درباره آسیب با همدلی نسبت به آسیب‌رسان رابطه‌ای نداشت. بنابراین، نقش همدلی به عنوان یک فرایند تسهیل‌کننده فرایندگذشت در رابطه با متغیرهای سطح آسیب و سطح رابطه مانند معذرت‌خواهی و صمیمیت رابطه‌ای پیش از آسیب لازم است، اما درباره متغیرهای شناختی - اجتماعی مانند مشغولیت ذهنی این رابطه دیده نشده است.

فینچام و همکاران (۲۰۰۲) نقش کیفیت رابطه زناشویی، اسنادها، همدلی و عواطف ارتباطی در گذشت را بررسی کردند. در پژوهش آنها ۱۲۸ زوج ایتالیایی شرکت کردند، که رابطه زناشویی آنها مدت زیادی دوام یافته بود. آنها نشان دادند که کیفیت رابطه زناشویی پیش‌بین خوبی برای اسنادهایی است که از طریق کاهش واکنش‌های عاطفی منفی و افزایش همدلی به طور مستقیم و غیرمستقیم، بخشیدن دیگران را تسهیل می‌کند. مدل معادلات ساختاری نشان داد که گذشت نتیجه یک سلسله مراتب علی است که کیفیت مثبت رابطه، اسنادهای علی و مسئولیت آن را تعیین می‌کند که در حقیقت گذشت از طریق واکنش‌های عاطفی منفی و همدلی هیجانی به طور مستقیم و غیرمستقیم ارتقاء پیدا می‌کند. برای جنسیت تفاوت‌هایی در مدل مشخص شد که همسران (زنان) اثرات مستقیم قوی‌تری را درباره اسنادها بر گذشت نشان دادند. همچنین اثرات مستقیم همدلی بر گذشت برای شوهران (مردان) قوی‌تر بود و رفتارهای همدلانه بر میل به گذشت نسبت به شریک تأثیر بیشتری دارد.

پالیری و همکاران، (۲۰۰۵) در پژوهش خود نشان دادند که گذشت می‌تواند کیفیت رابطه زناشویی را پیش‌بینی کند و همچنین بین گذشت و کیفیت زناشویی در طی زمان، یک رابطه متقابل وجود دارد. فینچام و بیچ (۲۰۰۷) در پژوهش خود رابطه علی بالقوه بین گذشت و کیفیت زناشویی در زوجین (۹۱ زوج) را بررسی کردند. الگویابی معادلات ساختاری برای بررسی اثرات بین متغیرها به کار رفت. نتایج نشان داد که بین گذشت و کیفیت زناشویی در زنان یک مسیر دوطرفه وجود دارد، در حالی که جهت این رابطه برای مردان فقط از کیفیت زناشویی به گذشت بود.

گورساج و هائو^{۱۷} (۱۹۹۳) در نتایج پژوهش خود نشان دادند که افراد مذهبی‌تر گذشت بیشتری دارد. به نظر آنها ممکن است

10. Fincham

11. Boon & Sulsky

12. Zechmeister & Romero

13. Anger

14. Bitterness

15. Disorientation

16. Rumination

17. Gorsuch & Hao

فرد به وسیله پیوند مذهبی یا باورهای مذهبی خود برای گذشت کردن تحت تأثیر قرار بگیرد. همچنین شفیلد^{۱۸} (۲۰۰۳) معتقد است فعالیت‌های مذهبی می‌تواند به افزایش توانایی فرد در گذشت دیگران کمک کند. دولاهایت^{۱۹} و همکاران، (۲۰۰۴) نیز معتقد هستند که گذشت در خانواده‌ها می‌تواند در نتیجه آموزه‌ها و باورهای مختلف رخ دهد. باتسون و شوالب^{۲۰} (۲۰۰۶) در پژوهش خود رابطه گذشت و باورهای مذهبی را بررسی کردند. شرکت‌کنندگان ۱۳۰ زوج کاتولیک بودند. نتایج نشان داد که سطوح ایمان و گذشت در مردان و زنان مشابه است. سطوح بالای ایمان با گذشت بیشتر رابطه داشت. همچنین باورهای مذهبی و گذشت با دوام زناشویی رابطه داشت.

خجسته‌مهر و همکاران، (۱۳۸۷) در پژوهش خود پیوستگی، انطباق‌پذیری، سطح ارتباطات و رضایت زناشویی در کارکنان متأهل پرگذشت و کم‌گذشت اداره‌های دولتی شهر اهواز را مقایسه کردند. نتایج تحلیل واریانس نشان داد که کارکنان متأهل پرگذشت و کم‌گذشت از نظر پیوستگی، انطباق‌پذیری، سطح ارتباطات و رضایت زناشویی تفاوت معناداری دارند.

لاولر-روو^{۲۱} و همکاران، (۲۰۰۸) در پژوهش خود نشان دادند که گذشت می‌تواند بر سلامت فرد گذشت‌کننده مؤثر باشد. همچنین گذشت صفت و گذشت موقعیتی به‌طور منفی با خشم رابطه دارد. کارمانز^{۲۲} و همکاران، (۲۰۰۳) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که بین گذشت و تعهد تعاملی وجود دارد که بر رضایت از زندگی، عواطف مثبت و عزت‌نفس تأثیر می‌گذارد. نتایج این پژوهش نشان داد که تمایل به گذشت و تعهد بر سلامت روانی تأثیر می‌گذارد. سیف و بهاری (۱۳۸۲) نیز در پژوهش خود نشان دادند که گذشت توان بالایی در پیش‌بینی سلامت عمومی همسران دارد.

گذشت کردن می‌تواند بهبود عملکرد ارتباطی زوجین (گوردون^{۲۳} و همکاران، ۲۰۰۰) و در نتیجه درمان مشکلات روانی زوجین (مالکوم و گرین‌برگ^{۲۴}، ۲۰۰۰) و در سطح هیجانی کاهش احساسات منفی مانند خشم، نفرت و کینه (ریچاردز^{۲۵}، ۱۹۸۸) را باعث شود. مک‌کلوگ و همکاران، (۲۰۰۰) معتقد هستند که گذشت با کاهش خشم، افسردگی و اضطراب (ترینر^{۲۶}، ۱۹۸۴) و افزایش احساس توانمند بودن و عزت‌نفس (ترینر، ۱۹۸۴) رابطه دارد.

با توجه به نتایج پژوهش‌های مختلف درباره نقش اسنادها، کیفیت رابطه زناشویی، همدلی و اعتقادات مذهبی در افزایش توانایی‌های زوجین برای بخشیدن دیگران و تأثیر گذشت بر افزایش سلامت روانی و کاهش خشم در روابط زوجین، به‌ویژه با توجه به مدل نظری که فینچام و همکاران (۲۰۰۲) ارائه کرده‌اند، یک مدل مفهومی طراحی و با استفاده از روش تحلیل مسیر بررسی شد.

18. Sheffield

19. Dollahite

20. Batson & Shwalb

21. Lawler-Row

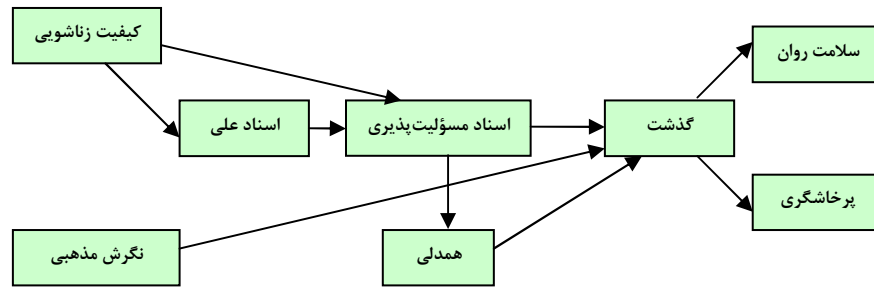
22. Karremans

23. Gordon

24. Malcolm & Greenberg

25. Richards

26. Trainer



شکل ۱. الگوی پیشنهادی پیشایندها و پیامدهای گذشت در ازدواج

مسأله اصلی در این پژوهش این است که آیا مدل پیشنهادی مربوط به پیشایندها و پیامدهای گذشت برازنده داده‌ها است؟ بر اساس مدل فرض شده، کیفیت زناشویی به صورت غیرمستقیم از طریق اسنادهای مسؤلیت پذیری بر پیشبرد گذشت تأثیر دارد. همچنین اسنادهای علی به صورت غیرمستقیم از طریق اسنادهای مسؤلیت‌پذیری بر گذشت تأثیر دارد. اسنادهای مسؤلیت‌پذیری به صورت غیرمستقیم از طریق همدلی بر افزایش گذشت تأثیر دارد. همچنین این مدل فرض می‌کند که همدلی، نگرش‌های مذهبی و اسنادهای مسؤلیت‌پذیری به صورت مستقیم بر پیشبرد گذشت تأثیر دارند. همچنین گذشت بر افزایش سلامت روان افراد و کاهش خشم آنها مؤثر است.

در این پژوهش سعی شده است با توجه به نقش بسیار مهم گذشت در درمان خانواده‌ها، از طریق ارائه اطلاعات نظری و تجربی درباره پیشایندها و پیامدهای گذشت در ازدواج‌های موفق و بادوام به درمانگران کمک کند که بدانند گذشت چگونه در زندگی زناشویی روزمره یا درمان کاربرد دارد. در مشاوره زناشویی که زوجین یکدیگر را رنجانده‌اند، آموزش گذشت و جبران می‌تواند در شکستن الگوهای تکراری و مخرب تعامل‌های تداوم‌بخش تنش زناشویی کمک زیادی کند.

پیشنهاد یک مدل جامع از پیشایندها و پیامدهای مهم گذشت به منظور شناخت بهتر و کامل‌تر مفهوم گذشت هدف اصلی این پژوهش است. بدیهی است که با شناخت پیشایندها و پیامدهای گذشت در توسعه مداخلاتی کمک خواهد شد، که هدف آنها افزایش گذشت است. اهداف دیگر این پژوهش عبارت است از: ۱- تعیین اثرات پیشایندهای گذشت بر گذشت و ۲- تعیین اثرات گذشت بر پیامدهای آن.

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری در این پژوهش کلیه والدین دانش‌آموزان دبیرستان‌های شهر اهواز است که در فاصله زمانی اجرای پژوهش در این شهر زندگی می‌کنند. ۴۹۲ نفر از والدین (۲۴۵ نفر مرد و ۲۴۷ نفر زن) با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای از طریق فرزندان آنها در دبیرستان‌های نواحی چهارگانه آموزش و پرورش شناسایی و انتخاب شدند. ابتدا از هر یک از نواحی چهارگانه آموزش و پرورش، ۱۶ مدرسه (۸ مدرسه دخترانه و ۸ مدرسه پسرانه) به صورت تصادفی انتخاب شدند. سپس از میان دانش‌آموزان این مدارس تعداد ۴۹۲ نفر را با توجه به نسبت نمونه‌برداری و به صورت تصادفی انتخاب کرده و پاکت‌های حاوی پرسشنامه‌ها را از طریق دانش‌آموزان در اختیار والدین آنها قرار دادیم. میانگین و انحراف استاندارد سن شرکت‌کنندگان به ترتیب ۴۲/۵۷ و ۵/۸ سال است. طول مدت ازدواج شرکت‌کنندگان با میانگین ۱۹/۵۹ و انحراف استاندارد ۴/۹۸ سال می‌باشد. همچنین میانگین و انحراف استاندارد تحصیلات آنها به ترتیب ۱۳/۰۶ و ۱/۷۲ کلاس می‌باشد.

روش پژوهش

تحلیل مسیر^{۲۷} را برای نخستین بار رایت^{۲۸} (۱۹۳۴، به نقل از هومن، ۱۳۸۵) توسعه داد. گسترش روش‌های رگرسیون، و در حقیقت، کاربرد رگرسیون چند متغیری در ارتباط با تدوین بارز مدل‌های علی است. هدف آن به‌دست آوردن برآوردهای کمی روابط علی بین مجموعه‌ای از متغیرهاست. روابط بین متغیرها در یک جهت جریان می‌یابد و به عنوان مسیرهای متمایزی در نظر گرفته می‌شود. مفاهیم عمده تحلیل مسیر در بهترین صورت از طریق ویژگی عمده آن یعنی نمودار مسیر تبیین می‌شود، که پیوندهای علی احتمالی بین متغیرها را آشکار می‌کند. روش پژوهش حاضر از نوع تحلیل مسیر است که اثرات مستقیم و غیرمستقیم پیشایندهای گذشت و اثرات گذشت بر پیامدهای آن را بررسی می‌کند. از فن آماری تحلیل مسیر برای ارزیابی مدل فرضی استفاده می‌شود.

برای اجرای پژوهش حاضر ابتدا به اداره‌های چهار گانه آموزش و پرورش شهر اهواز مراجعه و لیست دبیرستان‌های دخترانه و پسرانه هر ناحیه تهیه شد. سپس از بین دبیرستان‌های هر ناحیه آموزش و پرورش ۴ مدرسه (۲ مدرسه دخترانه و ۲ مدرسه پسرانه) به صورت تصادفی انتخاب شدند. از هر مدرسه نیز به نسبت جمعیت دانش‌آموزان، ۵۵۰ دانش‌آموز انتخاب شد. پس از انتخاب دانش‌آموزان، ۲۷۵ دانش‌آموز پرسشنامه را به پدران و ۲۷۵ دانش‌آموز پرسشنامه را به مادران خود به همراه دستورالعمل تکمیل داده تا تکمیل کنند و سپس بازگردانند. از دانش‌آموزان خواسته شد که پاکت‌ها را به صورت در بسته و کامل در اختیار والدین قرار داده و به همان صورت نیز برگردانند. پس از چند روز نیز از طریق خود دانش‌آموزان پرسشنامه‌ها برگردانده شد که پژوهشگر آنها را جمع‌آوری کرد و در آخر نیز هدایایی به دانش‌آموزان داده شد.

ابزارهای پژوهش

در پژوهش حاضر با توجه به تعداد متغیرهای موجود در مدل، از ۷ ابزار مختلف (مشمول بر ۹۰ ماده) استفاده شد. در این بخش این ابزارها معرفی می‌شود.

۱- **مقیاس گذشت صفت^{۲۹} (TFS)**. این مقیاس شامل ۱۰ سؤال است که تمایل پاسخ‌دهندگان به گذشت آسیب‌های بین‌فردی در موقعیت‌ها و زمان‌های مختلف را نشان می‌دهد. گذشت صفت، تمایل کلی فرد را در بسیاری از موقعیت‌ها و در طی زمان در نحوه پاسخ به یک آسیب در شیوه‌ای مبتنی بر گذشت کردن نشان می‌دهد. این مقیاس را بری^{۳۰} و همکاران (۲۰۰۵) ساخته‌اند. نمره‌گذاری این مقیاس به صورت لیکرت در پنج درجه کاملاً موافقم (۵)، کمی موافقم (۴)، نه موافقم نه مخالفم (۳)، کمی مخالفم (۲) و کاملاً مخالفم (۱) است که نمره‌های بالاتر، گذشت بیشتر را نشان می‌دهد. بری و همکاران (۲۰۰۵) در چهار پژوهش متوالی برای زوجین از این مقیاس استفاده کردند. آنها پایایی این مقیاس را با استفاده از روش آلفای کرونباخ در پژوهش‌های ۱، ۲، ۳ و ۴ به ترتیب ۰/۷۸، ۰/۷۹، ۰/۷۴ و ۰/۷۴ گزارش کرده‌اند. در پژوهش حاضر نیز ضریب پایایی این مقیاس با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۸۰ محاسبه شد. بری و همکاران (۲۰۰۵) در پژوهش‌های خود اعتبار این مقیاس را با استفاده از رابطه بین درجه‌بندی گذشت خود و گذشت دیگران محاسبه کردند که در سطح رضایت‌بخشی معنادار بود. در پژوهش حاضر

27. Path analysis

28. Wright

29. Trait Forgivingness Scale

30. Berry

ضریب اعتبار سازه این مقیاس با استفاده از مقیاس گذشت خانواده^{۳۱} (FFS) ۰/۶۳ است که در سطح (P<۰/۰۰۱) معنی دار می‌باشد.

۲- مقیاس اسناد ارتباطی^{۳۲} (RAM). این مقیاس به بررسی، توضیح و تبیین رفتارهای همسران اختصاص دارد و دلایل مشکلات موجود میان آنها را توضیح می‌دهد. این پرسشنامه را فینچام و برادبری^{۳۳} (۱۹۹۲) تهیه کردند و فرم اصلی آن ۲۴ سؤال به صورت خودگزارشی است که دو بعد اسناد علی^{۳۴} و مسئولیت‌پذیری^{۳۵} را می‌سنجد (غفاری، ۱۳۸۶). در پژوهش حاضر از فرم کوتاه ۶ سؤالی این مقیاس استفاده شد که ۳ سؤال آن به بعد علی و ۳ سؤال آن به بعد مسئولیت‌پذیری مربوط است. نمره‌گذاری این مقیاس به صورت لیکرت در شش درجه کاملاً موافقم (۱)، موافقم (۲)، تاحدودی موافقم (۳)، تاحدودی مخالفم (۴)، مخالفم (۵) و کاملاً مخالفم (۶) است. فینچام و همکاران (۲۰۰۲) پایایی فرم کوتاه این مقیاس را با استفاده از روش همسانی درونی (آلفای کرونباخ) برای بعد علی و مسئولیت‌پذیری به ترتیب ۰/۸۲ و ۰/۷۸ برای مردان و ۰/۸۴ و ۰/۸۵ برای زنان گزارش کرده‌اند. در پژوهش حاضر نیز ضریب پایایی این مقیاس با استفاده از روش آلفای کرونباخ برای بعد علی و بعد مسئولیت‌پذیری به ترتیب ۰/۶۹ و ۰/۸۳ محاسبه شد. در پژوهش حاضر ضریب اعتبار سازه این مقیاس با همبسته کردن آن با ۱۰ سؤال مربوط به خرده‌مقیاس ارتباطات در پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ^{۳۶} (ENRICH) برای بعد علی و بعد مسئولیت‌پذیری به ترتیب $r=0/589$ و $r=0/422$ محاسبه شد که این ضرایب در سطح $P<0/001$ معنی دار است.

³¹. Family Forgiveness Scale

³². Relationship Attribution Measurement

³³. Bradbury

³⁴. Causal attribution

³⁵. Responsibility attribution

³⁶. Enriching and Nurturing Relationship Issue, Communication and Happiness

۳- پرسشنامه کیفیت زناشویی^{۳۷} (QMI). این پرسشنامه را در سال ۱۹۸۳، نورتون^{۳۸} ساخته است. این پرسشنامه یک ابزار شش سؤالی است که کیفیت زناشویی را با به‌کارگیری عبارتهای کلی (مانند ما یک ازدواج خوب داریم) می‌سنجد. آزمودنی درجهٔ موافقت خود را در پنج سؤال پرسشنامه در دامنه‌ای از ۱ (کاملاً مخالف) تا ۷ (کاملاً موافق) نشان می‌دهد. در سؤال ششم که یک سؤال کلی است آزمودنی درجهٔ موافقت خود را در دامنه‌ای از ۱ (کاملاً مخالف) تا ۱۰ (کاملاً موافق) ابراز می‌کند. فینچام و همکاران (۲۰۰۲) پایایی این پرسشنامه را با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۹۶ برای هر دو گروه زنان و مردان گزارش کردند. در پژوهش حاضر نیز ضریب پایایی این مقیاس با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۹۴ محاسبه شد. همچنین ضریب اعتبار سازهٔ این پرسشنامه با همبسته کردن آن با ۱۰ سؤال مربوط به متغیر رضایت زناشویی در پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ ((ENRICH) ۰/۷۷ محاسبه شد که این ضرایب در سطح ($P < ۰/۰۰۱$) معنی‌دار است.

۴- مقیاس صفات همدلی باتسون^{۳۹} (BEA). مقیاس ۸ ماده‌ای صفات همدلی باتسون (BEA) را باتسون^{۴۰} و همکاران، در سال ۱۹۸۳، ساخته‌اند. این مقیاس فهرستی از احساسات همدلانه مانند همدردی کردن و نگران بودن را در برمی‌گیرد. آزمودنی احساسات همدلانه فعلی خود را نسبت به همسر در یک درجه‌بندی بر اساس روش لیکرت در دامنه‌ای از ۱ (اصلاً) تا ۶ (خیلی شدید) نشان می‌دهد. کوک (۲۰۰۶) پایایی این مقیاس را با استفاده از روش همسانی درونی (آلفای کرونباخ) در دامنه‌ای بین ۰/۸۷ تا ۰/۹۲ گزارش کرده است. در پژوهش حاضر نیز ضریب پایایی این مقیاس با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۸۴ محاسبه شد. همچنین ضریب اعتبار سازهٔ این مقیاس با همبسته کردن آن با مقیاس صمیمیت^{۴۱} (IS) (واکر و تامپسون^{۴۲}، ۱۹۸۳) ۰/۵۹ محاسبه شد که در سطح ($P < ۰/۰۰۱$) معنی‌دار است.

³⁷. Quality of Marriage Index
³⁸. Norton
³⁹. Batson Empathy Adjectives
⁴⁰. Batson
⁴¹. Intimacy Scale
⁴². Walker & Thompson

۵- خرده‌مقیاس نگرش مذهبی پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ (ENRICH). پرسشنامه انریچ یک ابزار ۱۲۵ ماده‌ای دارد که السون^{۴۳} و همکاران، (۱۹۹۲) آن را ساخته‌اند. این پرسشنامه برای ارزیابی زمینه‌های بالقوه مشکل‌زا یا شناسایی زمینه‌های قوت و پربراری رابطه زناشویی به کار می‌رود و ۱۴ خرده‌مقیاس را شامل است. این پرسشنامه هم دارای نمره کل و هم در خرده‌مقیاس‌های آن نمره مستقل ارائه می‌دهد. با توجه به اینکه خرده‌مقیاس‌های این آزمون روایی و پایایی کافی دارند، برای اندازه‌گیری نگرش مذهبی افراد بنا بر دستورالعمل آزمون از خرده‌مقیاس مورد نظر در این آزمون استفاده شده است. همچنین با توجه به اینکه در ادبیات پژوهش بین اسنادهای ارتباطی و ارتباطات زناشویی زوجین و نیز بین کیفیت زناشویی و رضایت زناشویی همبستگی وجود دارد، لذا برای بررسی روایی سازه مقیاس اسنادهای ارتباطی و کیفیت زناشویی (دو متغیر اصلی دیگر پژوهش) به ترتیب از دو خرده‌مقیاس رضایت زناشویی و ارتباطات پرسشنامه انریچ استفاده شده است. نمره‌گذاری سؤال‌های این پرسشنامه به صورت (کاملاً مخالفم)، ۱ (مخالفم)، ۲ (نظری ندارم)، ۳ (مؤاقم) و ۴ (کاملاً مؤاقم) است. در پژوهش حاضر ضریب پایایی خرده‌مقیاس نگرش مذهبی این پرسشنامه با روش آلفای کرونباخ ۰/۷۲ محاسبه شد.

۶- پرسشنامه سلامت روانی عمومی^{۴۴} (GHQ). برای سنجش سلامت روانی از پرسشنامه سلامت عمومی ۲۸-GHQ: (گلدبرگ و هیلر^{۴۵}، ۱۹۷۹) استفاده شد. این پرسشنامه حاوی ۲۸ پرسش و چهار خرده‌مقیاس است که از شناخته شده‌ترین ابزارهای غربالگری است و به صورت فرم‌های ۶۰، ۳۰، ۲۸ و ۱۲ ماده‌ای طراحی شده است. در پژوهش حاضر از فرم ۲۸ ماده‌ای پرسشنامه سلامت عمومی استفاده شد، که کاربرد گسترده‌ای دارد. از لحاظ پاسخگویی به پرسش‌ها، آزمودنی باید با توجه به وضعیت سلامت خود از یک ماه گذشته تا زمان حال، با استفاده از یک مقیاس لیکرت چهار درجه‌ای (۱، ۲، ۳، ۴) به پرسشنامه پاسخ دهد. در پژوهش حاضر ضریب پایایی پرسشنامه سلامت عمومی با روش آلفای کرونباخ ۰/۹۰ به دست آمد.

۷- خرده‌مقیاس پرخاشگری فهرست تجدید نظر شده علائم روانی^{۴۶} SCL۹۰-R. برای سنجش پرخاشگری از ۶ سؤال مربوط به بعد پرخاشگری از فهرست تجدید نظر شده علائم روانی SCL۹۰-R استفاده شد. این مقیاس را در سال ۱۹۷۳، دراگوتیس^{۴۷} و همکاران تهیه کردند. دراگوتیس، (۱۹۸۴) درباره این پرسشنامه تجدیدنظر کردند و فرم نهایی آن را با نام فهرست تجدید نظر شده علائم روانی SCL۹۰-R تهیه کردند. این فهرست ۹۰ سؤال را شامل است که در یک طیف پنج درجه‌ای به صورت ۱ (هیچ)، ۲ (کمی)، ۳ (تاحدی)، ۴ (زیاد) و ۵ (خیلی زیاد) اندازه‌گیری می‌شود. در پژوهش حاضر ضریب پایایی این مقیاس با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۰ به دست آمد که در سطح بسیار خوبی است.

یافته‌ها

الف. یافته‌های توصیفی

جدول ۱ میانگین و انحراف استاندارد آزمودنی‌ها در متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد.

43. Olson

44. General Health Questioner

45. Goldberg & Hiller

46. Symptom Checklist 90- Revised

47. Deragotis

جدول ۱: میانگین و انحراف استاندارد آزمودنی‌ها در متغیرهای مورد مطالعه

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد
گذشت	۳۷/۱۹	۷/۷۳
کیفیت زناشویی	۳۸/۹۹	۷/۵۷
همدلی	۳۹/۳۲	۷/۰۲
اسناد علی	۱۱/۷۳	۳/۵۳
اسناد مسئولیت‌پذیری	۱۴/۴۶	۳/۵۳
نگرش مذهبی	۲۹/۱۹	۶/۰۴
پرخاشگری	۱۱	۳/۸۰
سلامت روانی	۸۸/۴۰	۱۱/۴۰

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود میانگین و انحراف استاندارد نمره‌های آزمودنی‌ها در متغیر گذشت به ترتیب ۳۷/۱۹ و ۷/۷۳ است. همچنین میانگین و انحراف استاندارد نمره‌های آزمودنی‌ها در سایر متغیرها نیز مشاهده می‌شود. جدول ۲ ضرایب همبستگی بین متغیرهای مختلف پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۲: ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش در کل آزمودنی‌ها

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
گذشت	-	۰/۵۹۰	۰/۴۹۸	۰/۲۷۵	۰/۵۱۸	۰/۴۵۱	-۰/۴۰۸	۰/۴۷۲
کیفیت زناشویی	-	-	۰/۵۹۶	۰/۲۹۴	۰/۶۰۳	۰/۵۴۰	-۰/۴۱۳	۰/۴۵۸
همدلی	-	-	-	۰/۱۸۲	۰/۳۸۶	۰/۴۹۲	-۰/۳۱۴	۰/۳۳۴
اسناد علی	-	-	-	-	۰/۴۹۰	۰/۲۱۸	-۰/۲۱۲	۰/۲۱۲
اسناد مسئولیت‌پذیری	-	-	-	-	-	۰/۴۵۱	-۰/۳۴۴	۰/۳۹۱
نگرش مذهبی	-	-	-	-	-	-	-۰/۳۶۹	۰/۳۳۴
پرخاشگری	-	-	-	-	-	-	-	-۰/۵۱۶
سلامت روانی	-	-	-	-	-	-	-	-

همه ضرایب همبستگی ذکر شده بین متغیرها در سطح $P < ۰/۰۰۱$ معنادار است.

ب. یافته‌های مربوط به فرضیه‌های پژوهش و ارزیابی مدل پیشنهادی

همان‌طور که در ابتدا ذکر شد در پژوهش حاضر با توجه به مطالعات گذشته، برای پیشایندها و پیامدهای گذشت یک مدل مفهومی پیشنهاد شد. به منظور ارزیابی الگوی پیشنهادی، روابط بین متغیرها با استفاده از روش تحلیل مسیر با برآورد حداکثر درست‌نمایی (ML) برآورد شد. تمامی تحلیل‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS ویرایش ۱۴ و AMOS ویرایش ۷ انجام شد. در الگوی پیشنهادی از مجموع ۸ متغیر بررسی شده ۵ متغیر به عنوان پیشایندهای گذشت و ۲ متغیر به عنوان پیامدهای گذشت قرار گرفته‌اند. پیش از بررسی ضرایب مسیر، برازندگی الگوی اصلی بررسی شد. برای تعیین کفایت برازندگی الگوی پیشنهادی با

داده‌ها، ترکیبی از شاخص‌های برازندگی استفاده شد. با وجود این که مقادیر برخی شاخص‌های برازندگی حاکی از برازش نسبتاً خوب الگوی اولیه با داده‌ها بودند، ولی نتایج نشان می‌دادند که الگوی اصلی نیاز به بهبود دارد. در گام، بعد ارتقای برازندگی الگوی اصلی از طریق اضافه کردن مسیرهای جدید (الگوی نهایی) انجام شد. با اضافه کردن این مسیرها تناسب مدل به صورت معناداری افزایش یافت.

جدول ۳: برازش الگوهای پیشنهادی و نهایی با داده‌ها بر اساس شاخص‌های برازندگی

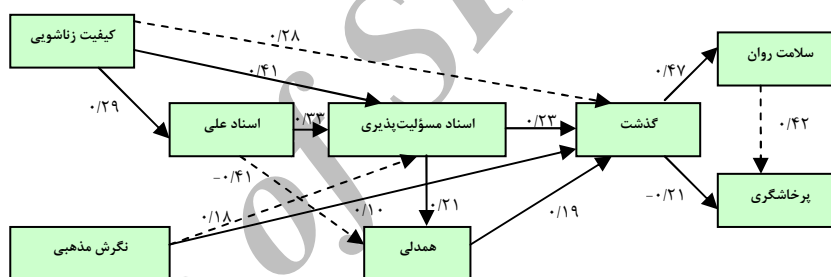
PCLOSE	RMSEA	NFI	CFI	TLI	IFI	AGFI	GFI	χ^2/df	df	χ^2	
۰/۰۳	۰/۱۴	۰/۸۷۴	۰/۸۸۶	۰/۸۰۰	۰/۸۸۷	۰/۸۲۴	۰/۹۲۲	۸/۹۲	۱۶	۱۴۲/۷۲	الگوی پیشنهادی
۰/۰۶	۰/۰۷۸	۰/۹۵۴	۰/۹۶۵	۰/۹۲۴	۰/۹۶۵	۰/۹۱۵	۰/۹۶۹	۴	۱۳	۵۲/۰۹	الگوی نهایی

شاخص مجذورکای (χ^2) که یک شاخص برازندگی مطلق مدل به حساب می‌آید، هر چه از صفر بزرگتر باشد برازندگی مدل کمتر می‌شود. وقتی حجم نمونه برابر ۷۵ تا ۲۰۰ باشد مقدار مجذورکای (χ^2) یک اندازه معقول برازندگی است، اما برای مدل‌های با N بزرگتر، مجذورکای (χ^2) تقریباً همیشه از نظر آماری معنادار است (بولن و لانگ^{۴۸}، ۱۹۹۳ و کنی^{۴۹}، ۲۰۰۱ به نقل از هومن، ۱۳۸۴) و این موجب می‌شود که آماره مجذورکای (χ^2) تقریباً همیشه مدل را رد کند (بتلر و بونت^{۵۰}، ۱۹۸۰؛ یورسکوگ و سوربوم^{۵۱}، ۱۹۹۳). از آنجا که مجذورکای (χ^2) نسبت به اندازه نمونه بسیار حساس است بسیاری از پژوهشگران مجذور کای را نسبت به درجه آزادی آن (یعنی، مجذور کای نسبی) می‌سنجند. نسبت این شاخص اثر اندازه نمونه را بر مدل مجذورکای (χ^2) به حداقل می‌رساند (ویتون^{۵۲} و همکاران، ۱۹۷۷). برخی پژوهشگران بیان کرده‌اند، چنان چه این شاخص کمتر از ۲ باشد برازندگی عالی^{۵۳} و بین ۲ تا ۵ برازندگی خوب^{۵۴} و بزرگتر از ۵ برازندگی ضعیف^{۵۵} و نامقبول الگو را نشان می‌دهد (ویتون و همکاران، ۱۹۷۷؛ بولن، ۱۹۸۹؛ تابکنیک و فیدل^{۵۶}، ۲۰۰۷). شاخص‌های برازندگی مانند شاخص برازندگی مقایسه‌ای (IFI) و شاخص برازندگی افزایشی (CFI) شاخص‌هایی هستند که برازش یک مدل معین را با مدل پایه مقایسه می‌کند مدلی که به وجود کواریانس میان متغیرها قائل نیست، (بتلر، ۱۹۹۰). هر چه این شاخص‌ها به یک نزدیکتر باشد، برازش مدل بهتر است. البته، این مقدار باید حداقل ۰/۹۰ باشد تا مدل مورد نظر پذیرفته شود (بتلر، ۱۹۹۰ و هیو^{۵۷} و بتلر، ۱۹۹۵ به نقل از هومن، ۱۳۸۴). شاخص ریشه خطای تقریب میانگین مجذورات (RMSEA) یکی دیگر از شاخص‌های برازندگی است. ریشه دوم میانگین مجذورات باقی مانده

48. Bollen & Long
 49. Kenny
 50. Bentler & Bonnet
 51. Jöreskog & Sörbom
 52. Wheaton
 53. Excellent fit
 54. Okay fit
 55. Poor fit
 56. Tabachnick & Fidell
 57. Hu

است که به عنوان تابعی از مقدار کواریانس تفسیر می‌شود (هومن، ۱۳۸۴). براون و کودک^{۵۸} (۱۹۹۳) مقادیر بالاتر از ۰/۱۰ را برای مدل‌های با برازش ضعیف، بین ۰/۰۸ تا ۰/۱۰ را برای مدل‌های با برازش متوسط، بین ۰/۰۵ تا ۰/۰۸ را برای مدل‌های با برازش مناسب و کمتر از ۰/۰۵ را برای مدل‌های با برازش عالی می‌دانند. همچنین مک‌کلوم^{۵۹} و همکاران (۱۹۹۶) و هیو و بنتلر (۱۹۹۹) مقادیر بین ۰/۰۵ تا ۰/۰۸ را نشان دهنده برازش مناسب و خوب می‌دانند. لوئلین^{۶۰} (۱۹۸۷) نیز مقادیر کمتر از ۰/۱۰ را نشانه برازش مناسب مدل قلمداد می‌کند.

همان‌گونه که در جدول ۳ آمده است، با توجه به شاخص‌های برازندگی به ویژه نسبت مجذور کای به درجه آزادی برابر ۴ (ملاک ۲ تا ۵)، شاخص نیکویی برازش^{۶۱} (GFI) برابر ۰/۹۶۹، شاخص نیکویی برازش تعدیل یافته^{۶۲} (AGFI) برابر ۰/۹۱۵، شاخص برازندگی مقایسه‌ای^{۶۳} (IFI) برابر ۰/۹۶۵، شاخص برازندگی افزایشی^{۶۴} (CFI) برابر ۰/۹۶۵، شاخص برازش هنجار شده^{۶۵} (NFI) برابر ۰/۹۵۴ و ریشه خطای تقریب میانگین مجذورات^{۶۶} (RMSEA) برابر ۰/۰۷۸ است که نشان دهنده این است که مدل نهایی برازندگی مناسبی دارد. همچنین همه روابط موجود بین متغیرها در مدل در سطح $P < ۰/۰۵$ معنادار است.



شکل ۲-۴: الگوی نهایی (به همراه مسیرهای جدید) پیشابندها و پیامدهای گذشت در ازدواج

همان‌گونه که در مدل نهایی مشاهده می‌شود، کیفیت زناشویی هم به صورت مستقیم و هم غیرمستقیم از طریق اسنادهای علی با اسناد مسئولیت‌پذیری رابطه دارد. همچنین کیفیت زناشویی به صورت غیرمستقیم از طریق اسنادهای علی با همدلی رابطه دارد. کیفیت مثبت زناشویی هم به صورت مستقیم و هم غیرمستقیم از طریق اسنادهای علی و مسئولیت‌پذیری افزایش گذشت را باعث می‌شود. اسنادهای علی نیز به صورت غیرمستقیم و از طریق اسنادهای مسئولیت و همدلی ارتقای گذشت را موجب می‌شود. اسنادهای مسئولیت نیز به صورت مستقیم و غیرمستقیم به واسطه همدلی گذشت را افزایش می‌دهد. همدلی نیز به صورت مستقیم گذشت را افزایش می‌دهد. نگرش‌های مذهبی نیز به صورت مستقیم و غیرمستقیم از طریق اسنادهای مسئولیت گذشت را ارتقاء می‌دهد. گذشت نیز سلامت روانی را افزایش و پرخاشگری در میان همسران را کاهش می‌دهد (مسیرهای جدید به صورت خط چین

58. Browne & Cudeck

59. MacCallum

60. Leohlin

61. Goodness of Fit Index

62. Adjusted Goodness of Fit Index

63. Comparative Fit Index

64. Incremental Fit Index

65. Normalized Fit Index

66. Root Mean Squared Error of Approximation

آمده است).

Archive of SID

بحث و نتیجه‌گیری

همان‌گونه که اشاره شد هدف پژوهش حاضر، پیشنهاد یک مدل جامع از پیشایندها و پیامدهای مهم گذشت در جهت شناخت بهتر و کامل‌تر مفهوم گذشت است. از روش تحلیل مسیر برای ارزیابی مدل پیشنهادی استفاده شد. نتایج حاکی از برآزش خوب الگوی نهایی با داده‌های مشاهده شده بود.

نتایج ارزیابی مدل تحلیل مسیر درباره تأثیر مستقیم اسناد مسئولیت‌پذیری بر گذشت با مطالعات مک‌کلوگ، راشل و همکاران (۱۹۹۸)؛ مک‌کلوگ، اکسلاین و بامیستر (۱۹۹۸)؛ مک‌کلوگ و همکاران (۲۰۰۳)؛ فینچام و همکاران (۲۰۰۵)؛ و فینچام، و همکاران (۲۰۰۲) هماهنگ است. باکوم و همکاران، (۱۹۸۷) معتقد هستند فعالیت اسنادی، بیشتر زمانی فرا خوانده می‌شود که رفتار طرف مقابل (همسر) مهم و خصمانه جلوه کند. اسناد کردن و توجیه در رابطه زناشویی می‌تواند نقشی مهم ایفا کند. اگر زوجی از یک حادثه منفی توجیه مثبت داشته باشد، به احساس بهتر او نسبت به شریک خود کمک می‌کند. بنابراین، می‌توان اظهار کرد همسرانی که درباره مسئولیت اعمال شریک خود نگرش‌های بهتری دارند، گذشت بیشتری را در روابط خود نشان می‌دهند. آنها در هنگام بروز آسیب از سوی همسر خود، رفتار اشتباه او را غیرعمدی، غیرخودخواهانه و بدون تقصیر جلوه می‌دهند و بدین ترتیب نگرش مثبت و سازنده‌تری را اعمال می‌کنند که در نهایت پیشبرد گذشت در روابط زناشویی را باعث می‌شود.

نتایج ارزیابی مدل تحلیل مسیر درباره تأثیر مستقیم همدلی بر گذشت با مطالعات مک‌کلوگ و همکاران (۱۹۹۷)؛ مک‌کلوگ، راشل و همکاران (۱۹۹۸)؛ فینچام و همکاران (۲۰۰۲)؛ و زچ‌میستر و رومرو (۲۰۰۲) هماهنگ است. برای تسهیل فرآیند گذشت، عامل همدلی بسیار ضروری است. همدلی همسر نسبت به شریک خود باعث می‌شود که فرد خطاکار از سرزنش کردن خویش رهایی یابد و مسئولیت عمل خود را بپذیرد. در جریان فرآیند گذشت، فرد آسیب‌دیده با نگرش پشیمانی از سوی فرد خطاکار مواجه شده، احساسات و نگرش‌های او را درک کرده و سعی می‌کند در احساسات او همانند یا شریکت شود. اگر آسیب‌رسان همچنان به آسیب خود ادامه دهد، در آن صورت گذشت کردن بسیار سخت اتفاق می‌افتد. چرا که منظور از همدلی کردن سعی در شناختن موقعیت‌ها یا شرایط هیجانی دیگران و همراه شدن در آن موقعیت یا هیجان است.

نتایج ارزیابی مدل تحلیل مسیر درباره تأثیر مستقیم نگرش مذهبی همسر بر گذشت با مطالعات گورساج و هائو (۱۹۹۳)؛ شفیلد (۲۰۰۳)؛ باتسون و شوالب (۲۰۰۶)؛ و دولاهایت و همکاران (۲۰۰۴) و تأکید ادیان و آئین‌های مختلف از جمله دین هدایت‌گر اسلام هماهنگ است. در نتیجه پیوند فرد با معبود خود و با توجه به صفت بخشنده برای خداوند، به عنوان تنها حقیقتی که می‌تواند بی‌نهایت گذشت داشته باشد، و همچنین توجه به تأکید خداوند بر اعمالی مانند گذشت و اینکه هر انسانی که نسبت به فرد دیگر یا حتی نسبت به خدا عمل اشتباهی را انجام دهد، خداوند او را می‌بخشد و نگاه ویژه‌ای که ادیان مختلف نسبت به مسائل خانواده دارند می‌تواند بر افزایش گذشت تأثیر داشته باشد. همسرانی که نگرش‌های مذهبی پایدارتری دارند، در بروز ندادن رفتارهای انتقام‌آمیز و نشان دادن رفتارهای پسندیده و نیک از جمله گذشت نسبت به شریک خود نگرش‌های بهتر و مثبت‌تری دارند.

نتایج ارزیابی مدل تحلیل مسیر درباره تأثیر مستقیم کیفیت زناشویی بر گذشت با مطالعات فینچام و بیچ (۲۰۰۷)؛ پالیری و همکاران (۲۰۰۵)؛ مک‌کلوگ، اکسلاین و بامیستر (۱۹۹۸)؛ وورثینگتون و وات (۱۹۹۹)؛ خجسته‌مهر و همکاران (۱۳۸۷) هماهنگ و برخلاف نتایج فینچام و همکاران (۲۰۰۲) است. کیفیت زناشویی به‌واسطه حضور یا حضور نداشتن نسبی عوامل مثبت

و منفی تعریف می‌شود (برادبوری⁶⁷ و همکاران، ۲۰۰۰). برای بررسی کیفیت رابطه زناشویی می‌توان با نگاه کردن به احساسات در رابطه (مانند قضاوت درباره شادی و خشنودی فرد در رابطه) یا نگاه کردن به خود رابطه (مانند بررسی الگوهای تعامل، میزان و نوع تعارض) آن را مشخص کرد (گلن⁶⁸، ۱۹۹۸). نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد، همسرانی که در رابطه زناشویی خود از کیفیت بالاتری بهره‌مند هستند، گذشت بیشتری را نشان می‌دهند. می‌توان اظهار کرد؛ مصالحه و آشتی که حاصل گذشت است می‌تواند بر کیفیت رابطه زناشویی بیفزاید. بنابراین، همسران با احتمال بیشتری گذشت خواهند کرد.

نتایج ارزیابی مدل تحلیل مسیر درباره تأثیر غیرمستقیم اسناد علی همسر بر گذشت آنها از طریق تأثیر بر اسناد مسئولیت‌پذیری با مطالعات فینچام (۲۰۰۰)؛ مک‌کلوگ، راشل و همکاران (۱۹۹۸)؛ فینچام و همکاران (۲۰۰۲) و مک‌کلوگ، اکسلاین و بامیستر (۱۹۹۸) هماهنگ است. بنابراین، تأثیر اسناد علی می‌تواند به این فرایند منجر شود که شریک خود را از وضعیت جایگاه مهار درونی در قبال مشکل پیش‌آمده، ثبات و پایداری رفتار نامناسب و تعمیم رفتار به همه شرایط و موقعیت‌ها رهایی بخشد و درباره مسئولیت اعمال شریک خود نگرش‌های بهتری داشته باشد. همان‌گونه که در قبل ذکر شد همسران در هنگام بروز آسیب از سوی همسر خود، رفتار اشتباه او را غیرعملدی، غیرخودخواهانه و بدون تقصیر جلوه می‌دهند و بدین ترتیب نگرش مثبت و سازنده‌تری را اعمال می‌کنند که در نهایت پیشبرد گذشت در روابط زناشویی را باعث می‌شود.

نتایج ارزیابی مدل تحلیل مسیر درباره تأثیر غیرمستقیم کیفیت زناشویی بر گذشت آنها از طریق تأثیر بر اسناد مسئولیت‌پذیری با مطالعات فینچام و همکاران (۲۰۰۲)؛ مک‌کلوگ، اکسلاین و بامیستر (۱۹۹۸) هماهنگ است. کیفیت زناشویی مثبت می‌تواند کاهش تعارضات و اختلافات و ایجاد اسناد مسئولانه را باعث شود. اثر غیرمستقیم کیفیت زناشویی بر گذشت از طریق اسناد مسئولیت‌پذیری حاکی از این واقعیت است که زوجین دارای روابط صمیمانه و رضایت بخش نسبت به زوجینی که درگیر روابط ناراحت‌کننده و نارضی هستند اسناد مسئولانه کمتری را برای رفتارهای منفی همسر خود در نظر می‌گیرند و این خود ارتقای گذشت در روابط آنها را باعث می‌شود.

نتایج ارزیابی مدل تحلیل مسیر درباره تأثیر غیرمستقیم اسناد مسئولیت‌پذیری بر گذشت آنها از طریق تأثیر بر همدلی با مطالعات فینچام و همکاران (۲۰۰۲)؛ مک‌کلوگ، اکسلاین و بامیستر (۱۹۹۸)؛ مک‌کلوگ، راشل و همکاران (۱۹۹۸)؛ هماهنگ است. موقعیت‌های همدلانه عاطفی، رفتارهای یاورانه را وساطت می‌کند (باتسون و همکاران، ۱۹۸۷) یا موقعیت‌های همدلانه شناختی، الگوهای اسنادی رفتار را تغییر می‌دهند (گولد و سیگنال⁶⁹، ۱۹۷۷). بنابراین، اسناد مسئولانه ملایم برای رفتارهای منفی شریک می‌تواند از عواطف منفی فرد کاسته و افزایش عواطف مثبت از جمله همدلی نسبت به آسیب‌رسان را موجب شود. بنابراین، می‌توان اظهار کرد همسرانی که کمتر اسناد مسئولانه‌تری دارند، تمایل بیشتری دارند تا با همسر خود همدلی کنند و افزایش همدلی افزایش گذشت در رابطه را باعث خواهد شد.

نتایج ارزیابی مدل تحلیل مسیر درباره تأثیر غیرمستقیم اسناد علی بر گذشت از طریق تأثیر بر همدلی تأیید نشد که با مطالعات مک‌کلوگ، اکسلاین و بامیستر (۱۹۹۸)؛ وورثینگتون و وات (۱۹۹۹) هماهنگ نیست، ولی با نتایج فینچام و همکاران (۲۰۰۲) مشابه بود. به نظر می‌رسد اسناد علی نمی‌تواند در توانایی فرد برای درک و هماهنگ شدن با عواطف مثبت و منفی دیگران تأثیر داشته باشند. بنابراین، اسناد علی نمی‌تواند به این فرایند منجر شود که همسران با شریک خود احساس صمیمیت کرده و بتوانند

67. Bradbury

68. Glenn

69. Gould & Sigall

همدلی بیشتری را نشان دهند و در نهایت به ارتقاء گذشت منجر شود.

نتایج ارزیابی مدل تحلیل مسیر درباره تأثیر غیرمستقیم نگرش مذهبی همسر بر گذشت آنها از طریق تأثیر بر اسناد مسئولیت‌پذیری تأیید شد. پژوهش‌های زیادی درباره نقش نگرش مذهبی در گذشت وجود دارد که از آن جمله می‌توان به گورساج و هائو (۱۹۹۳)؛ شفیلد (۲۰۰۳)؛ باتسون و شوالب (۲۰۰۶)؛ و دولاهایت و همکاران (۲۰۰۴) اشاره کرد. نگرش‌های مذهبی و ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی می‌تواند در بروز هیجانات افراد مؤثر باشد. نگرش‌های مذهبی و ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی می‌تواند تعیین کند که آیا فرد خشم، ترس، افسردگی، کینه و نفرت را بروز می‌دهد یا گذشت خواهد کرد. نگرش‌های مذهبی افراد با توجه به تأکید زیاد ادیان و آیین‌های مختلف بر لزوم گذشت در روابط، می‌تواند نگرش‌های مسئولانه آنها را تغییر داده و آنها نیز رفتارهای منفی همسران خود را به گونه‌ای دیگر تفسیر کنند و بر خطاپذیر بودن انسان و غیرعمدی بودن خطای سرزده تأکید کرده و در نهایت گذشت بیشتری را نشان دهند.

نتایج ارزیابی مدل تحلیل مسیر درباره تأثیر مستقیم گذشت همسران بر سلامت روان آنها با مطالعات لاولر-روو و همکاران (۲۰۰۸)؛ مالکوم و گرین‌برگ (۲۰۰۰)؛ مک‌کلوگ و همکاران (۲۰۰۰)؛ کارمانز و همکاران (۲۰۰۳)؛ و سیف و بهاری (۱۳۸۲) هماهنگ است. هر فردی که سلامت روان دارد برای دستیابی به اهداف خود تلاش می‌کند و در این راستا در هنگام بروز آسیب‌ها رفتارهای دیگرپسند و مبتنی بر ارزش‌های اجتماعی بروز می‌دهند. از جمله این رفتارها گذشت است. گذشت مانند رفتارهای دیگری مانند یاری‌رسانی، سازگاری و فداکاری باعث می‌شود یک فرد هم به دیگران بهره برساند و هم برای خود نیز ارزش شخصی به وجود آورد. گذشت می‌تواند به بازسازی یا حفظ روابط عاطفی مفید برای سلامت جسمانی و روانی کمک کند. همچنین گذشت ایجاد نگرش و احساسات مثبت نسبت به فرد خطاکار را باعث می‌شود که این از نشانه‌های افراد سالم است. گذشت اثرات منفی بر سلامت روان را بهبود می‌بخشد و باعث می‌شود که فرد از زندگی خود لذت بیشتری ببرد.

نتایج ارزیابی مدل تحلیل مسیر درباره تأثیر مستقیم گذشت همسران بر کاهش پرخاشگری همسران با مطالعات لاولر-روو و همکاران (۲۰۰۸)؛ مک‌کلوگ و همکاران (۲۰۰۰)؛ فینچام و بیچ (۲۰۰۷)؛ و فینچام و همکاران (۲۰۰۵) هماهنگ است. همسرانی که در پی بهبود زندگی خود هستند در هنگام بروز مشکلات از جانب شریک خود گذشت بیشتری را نشان می‌دهند و از رفتارهای خصومت‌آمیز همراه با توهین یا صدمه زدن به شریک خود پرهیز می‌کنند. افراد در هنگام بروز آسیب‌ها ممکن است نسبت به شریک خود کینه پیدا کنند و این کینه ممکن است به بروز رفتارهای پرخاشگرانه منتهی شود. بنابراین، با توجه به تأیید اثر گذشت بر پرخاشگری همسر می‌توان گفت که گذشت می‌تواند به توقف کردن پاسخ‌های خصمانه آشکار و پنهان علیه شریک مفید باشد. همچنین می‌توان بیان کرد که گذشت کنترل تکانه‌های خصمانه و غلبه تدریجی بر نفرت و کینه را باعث می‌شود. گذشت می‌تواند به کاهش عواطف تضعیف‌کننده مانند خصومت، تلخ‌کامی و نفرت کمک کند.

پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی مواجه بود که مهمترین آنها به روابط به‌دست آمده بین متغیرها مربوط می‌شود. اگر چه داده‌های این پژوهش با روش تحلیل مسیر آزمون شده هماهنگ هستند، ولی کاربرد آنها در روابط علت و معلولی باید با احتیاط انجام شود. محدودیت دیگر این است که با توجه به این‌که داده‌های این پژوهش به صورت غیرمستقیم و از طریق فرزندان آنها جمع‌آوری شد پاسخگویی آنها در محیط خانواده و در حضور همسر خود می‌تواند بر نتایج پژوهش تأثیر بگذارد. در نهایت این‌که با توجه به اجرای پژوهش در جامعه شهر اهواز تعمیم نتایج به جوامع دیگر باید با احتیاط و با توجه به ملاحظات فرهنگی مختلف انجام شود. با توجه به نتایج به‌دست آمده از مدل تأیید شده و روابط به‌دست آمده بین متغیرها، پیشنهاداتی برای پژوهشگران، درمانگران و مشاوران ارائه می‌شود که امید می‌رود تحول در نگرش و دیدگاه‌های موجود در زمینه خانواده و درمان و

آموزش آنها مشاهده شود. انجام پژوهش‌های بیشتر درباره‌ی متغیرهای مهمی مانند گذشت، اسناد علی و مسئولیت و همدلی که به نظر می‌رسد می‌توانند در روابط اعضای خانواده تأثیرگذار باشد، به پژوهشگران پیشنهاد می‌شود. در نهایت اینکه با توجه به افزایش مشکلات خانوادگی و آمار بالای طلاق در جامعه ما و نقش مهم گذشت در حل این مشکلات، برگزاری دوره‌های مختلف آموزش گذشت برای زوجین ضروری است.

Archive of SID

منابع

- غفاری، نسرين، (۱۳۸۶). بررسی ویژگی‌های روانسنجی مقیاس اسناد ارتباطی (RAM) در ازدواج و تعیین توان پیش‌بینی آن در تشخیص زنان متقاضی طلاق و عادی در شهر آبادان، پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- خجسته‌مهر، رضا، ذبیح‌اله، عباس‌پور و غلامرضا رجبی، (۱۳۸۷). مقایسه پیوستگی، انطباق‌پذیری، سطح ارتباط و رضایت زناشویی در متأهلین پرگذشت و کم‌گذشت اداره‌های دولتی شهر اهواز، مجله علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، دوره سوم، شماره ۱، صص ۱۷۹-۱۹۴.
- سوسن سیف و فرشاد بهاری، (۱۳۸۲). رابطه بخشودگی و سلامت روانی همسران، مطالعات روان‌شناختی، شماره ۱، صص ۹-۱۷.
- هومن، حیدرعلی، (۱۳۸۴). مدل‌یابی معادلات ساختاری با کاربرد نرم‌افزار لیزرل، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی سمت.
- هومن، حیدرعلی، (۱۳۸۵). تحلیل داده‌های چند متغیری در پژوهش رفتاری، تهران، مؤسسه پیک فرهنگ.
- Batson, C. D, Fultz, J & Schoenrade, P. A, (1987). Distress and empathy: Two qualitatively distinct vicarious emotions with different motivational consequences, *Journal of Personality*, 55, 19-39.
- Batson, C. D, O'Quin, K, Fultz, J, Vanderplas, M & Isen, A, (1983). Self-reported distress and empathy and egoistic versus altruistic motivation for helping, *Journal of Personality and Social Psychology*, 45, 706-718.
- Batson, M. D & Shwalb, D. W, (2006). Forgiveness and Religious Faith in Roman Catholic Married Couples, *Pastoral Psychology*, 55, 119-129.
- Baucom, D. H, Sayers, S. L & Duher, A, (1987). Attributional style and attributional patterns among married couples, *Journal of Personality and Social Psychology*, 56, 596-607.
- Bentler, P. M & Bonnet, D. C, (1980). Significance Tests and Goodness of Fit in the Analysis of Covariance Structures, *Psychological Bulletin*, 88 (3) , 588- 606.
- Berry, J. W, Worthington, E. L, Jr, O'Connor, L. E, Parrott, L, 111 & wade, N. G, (2005). Forgiveness, Vengeful Rumination, and Affective Traits, *Journal of Personality*, 73 (1) , 183 -225.
- Boon, S.D & Sulsky, L.M, (1997). Attributions of blame and forgiveness in romantic relationships: A policy capturing study, *Journal of Social Behavior and Personality*, 12 (1) , 19-44.
- Bradbury, T.N, Fincham, F. D & Beach, S. R. H, (2000). Research on the nature and determinants of marital satisfaction: A decade in review, *Journal of Marriage and the Family*, 62, 964-980.
- Browne, M.W & cudeck, R, (1993). Alternative ways of a assessing model fit. In K.A. Bollen & J.S. Long (Eds), *Testing structural equation models* (pp.136-162) Newbury park, CA: sage.
- Cooke, K. I, (2006). *Models of Forgiveness and Adult Romantic Attachment in Ended Relationships: Forgiveness over Time*, A thesis submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree of Master of Science at Virginia Commonwealth University.
- Deragotis, L. R, Marrow, J. A, Fetting, J. A & Halland, J, (1984). The SCL 90-R, as a psychiatric screening measure in a Cancer Ppopulation, *American Journal Epidem.*
- Dollahite, D. C, Marks, L. D & Goodman, M, (2004). Families and religious beliefs, practices, and communities: Linkages in a diverse and dynamic cultural context. In M. J. Coleman & L. H. Ganong (Eds.) , Springer Pastoral Psychol (2006) 55:119-129 129. The handbook of contemporary families: *Considering the past, contemplating the future* (pp. 411-431). Thousand Oaks, CA: Sage.
- Enright, R. D & the Human Development Study Group, (1994). Piaget on the moral development of forgiveness: Identity or reciprocity?, *Human Development*, 37, 63-80.
- Fincham, F. D & Bradbury, T. N, (1992). Assessing attribution in marriage: The Relationship Attribution Measure, *Journal of personality and social psychology*, 64 (3) , 449-452.

- Fincham, F.D, (2000). The kiss of porcupines: From attributing responsibility for forgiving, *Personal Relationships*, 7, 1-23.
- Fincham, F. D, Paleari, G & Regalia, C, (2002). Forgiveness in marriage: The role of relationship quality, attributions, and empathy, *Personal Relationships*, 9, 27-37.
- Fincham, F. D, Hall, J. H & Beach, S. R. H, (2005). "Til lack of forgiveness doth us part": Forgiveness in marriage. In E. L. Worthington, Jr. (Ed.) , *Handbook of Forgiveness* (pp. 207-226). New York, Brunner-Routledge.
- Fincham, F.D & Beach, S.R.H, (2007). Forgiveness and marital quality: Precursor or consequence in well-established relationships?, *The Journal of Positive Psychology*, 92, 260-268.
- Glenn, N. D, (1998). The course of marital success and failure in five American 10-year marriage cohorts, *Journal of Marriage and the Family*, 60, 569-576.
- Gould, R & Sigall, H, (1977). The effect of empathy and outcome on attribution: an examination of the divergent-perspectives hypothesis, *Journal of Experimental Social Psychology*, 13, 480-491.
- Goldberg, D. P & Hiller, V. F, (1979). A scaled version of the General Health Questionnaire, *Psychological Medicine*, 9, 139- 145.
- Gonzales, M. H, Haugen, J. A & Manning, D. J, (1994). Victims as "narrative critics" factors influencing rejoinders and evaluative responses to offender's accounts, *Personality and Social Psychology Bulletin*, 20 (6) , 691-704.
- Gordon, K. C, Baucom, D. H & Snyder, D. K, (2000). *The use of forgiveness in marital therapy*, In M. McCullough, K. I. Pargament & C. E. Thoresen (Eds.) , *Forgiveness: Theory, research, and practice* (pp. 203-227). New York: Guilford Press.
- Gorsuch, R. L & Hao, J. Y, (1993). Forgiveness: An exploratory factor analysis and its relationships to religious variables, *Review of Religious Research*, 34, 333-347.
- Hu, L & Bentler, P. M, (1995). *Evaluating model fit*. In R. H. Hoyle (Ed.) , *Structural equation modeling: Concepts, Issues, and Applications* (pp. 76-99). London: Sage.
- Hu, L. T & Bentler, P. M, (1999). Cutoff Criteria for Fit Indexes in Covariance Structure Analysis: Conventional Criteria versus New Alternatives, *Structural Equation Modeling*, 6 (1) , 1-55.
- Jöreskog, K & Sörbom, D, (1993). LISREL 8: Structural Equation Modeling with the SIMPLIS Command Language. Chicago, IL: Scientific Software International Inc.
- Karremans, J. C, Van Lange, P. A. M, Ouwerkerk, J. W & Kluwer, E. S, (2003). When forgiving enhances psychological wellbeing: The role of interpersonal commitment, *Journal of Personality and Social Psychology*, 84, 1011-1026.
- Lawler-Row, K.A, Karremans, J. C, Scott, C, Edlis-Matityahou, M & Edwards, L, (2008). Forgiveness, physiological reactivity and health: The role of anger, *International Journal of Psychophysiology*, 68, 51-58.
- Loehlin, J. C, (1987). *Latent variable models: An introduction to factor, path, and structural analysis*, Hillsdale, NJ: Erlbaum.
- Malcolm, W. M & Greenberg, L. S, (2000). *Forgiveness as a process of change in individual psychotherapy*, In M.E. McCullough, K.I. Pargament & C.E. Thoresen (Eds.) , *Forgiveness: Theory, research, and practice* (pp. 179-202). New York, Guilford Press.
- MacCallum, R. C, Browne, M. W & Sugawara, H, M, (1996). Power Analysis and Determination of Sample Size for Covariance Structure Modeling, *Psychological Methods*, 1 (2) , 130-49.
- McCullough, M. E, Worthington, E. L, Jr & Rachal, K. C, (1997). Interpersonal forgiving in close relationships, *Journal of Personality and Social Psychology*, 73, 321-336.
- McCullough, M.E, Exline, J.H & Baumeister, R.F, (1998). *An annotated bibliography of research on forgiveness and related concepts. Psychological research and theological speculations*, Philadelphia: The Templeton Foundation Press.
- McCullough, M. E, Rachal, K. C, Sandage, S. J, Worthington, E. L, Jr, Brown, S. W & Hight, T. L, (1998). Interpersonal forgiving on close relationships: II. Theoretical elaboration and measurement, *Journal of Personality and Social Psychology*, 73, 586- 1603.
- McCullough, M. E, Hoyt, W. T, Larson, D. B, Koenigh, H. G & Thoresen, C. E, (2000). Religious involvement and mortality: A meta-analytic review, *Health Psychology*, 19, 211-222.

- McCullough, M. E, Fincham, F. D & Tsang, J, (2003). Forgiveness, forbearance, and time: The temporal unfolding of transgression-related interpersonal motivations, *Journal of Personality and Social Psychology*, 84, 540-557.
- Norton, R, (1983). Measuring marital quality: A critical look at the dependent variable, *Journal of marriage and the family*, 45, 141- 151.
- Olson, D.H, Fournier, D.G & Druckman, J. M, (1992). *ENRICH: Enriching and nurturing relationship issues, communication, and happiness*, Family inventories, Minneapolis.
- Paleari, F. G, Regalia, C & Fincham, F. D, (2005). Marital quality, forgiveness, empathy, and rumination: a longitudinal analysis, *Journal of Social Behaviors and Personality*, 3, 368-378.
- Richards, N, (1988). Forgiveness, *Ethics*, 99, 77-97.
- Sheffield, J. C, (2003). *An investigation of the relationship between forgiveness, religiosity, religious coping, and psychological well-being*, Unpublished doctoral dissertation, Brigham young University, Provo, Utah.
- Tabachnick, B. G & Fidell, L. S, (2007). *Using Multivariate Statistics* (5th Ed.) , New York, Allyn and Bacon.
- Trainer, M.F, (1984). Forgiveness: Intrinsic, role-expected, expedient, in the context of divorce. (Doctoral dissertation, Boston University, 1984) , *Dissertation Abstracts International- B*, 45, 1325.
- Walker, A J & Thompson, L, (1983). Intimacy and intergenerational aid and contact among mothers and daughters, *Journal of marriage and the family*, 45,841-849.
- Wheaton, B, Muthen, B, Alwin, D, F & Summers, G, (1977). Assessing Reliability and Stability in Panel Models, *Sociological Methodology*, 8 (1) , 84- 136.
- Worthington, E. L. Jr, (1998). An empathy-humility-commitment model of forgiveness applied within family dyads, *Journal of Family therapy*, 20, 59-76.
- Worthington, E. L. Jr & Wade, N. G, (1999). The social psychology of unforgiveness and forgiveness and implications for clinical practice, *Journal of Social and Clinical Psychology*, 18 (4) , 385-418.
- Worthington, E. L, Jr, (Ed.). (2005). *Handbook of forgiveness*, New York, Brunner-Routledge.
- Zechmeister, J. S & Romero, C, (2002). Victim and offender accounts of interpersonal conflict: Autobiographical narratives of forgiveness and unforgiveness, *Journal of Personality and Social Psychology*, 82, 675-686.

Archive